۱۷ مردی با چشمان حادثه‌ساز

وحشت از قاتلان قداره بند

در حاشیه

محمد بلوری/ روزنامه نگار

خلاصه داستان /وقتی باران شروع به بارش کرد آقا کاظم باران ساز با خوشحالی از اینکه طلسم خشکسالی شکسته سوار بر اسب به خانه‌اش برمی‌گشت که هنگام گذر از کنار قبرستان متروک آبادی، متوجه قاچاقچیان شد که برای کشف دفینه به قبرستان آمده و حفاری می‌کردند. آقا کاظم پای پیاده وارد قبرستان قدیمی شد اما از آن پس دیگر کسی او را زنده ندید. روز بعد جسدش را در عمق چاه حفاری شده پیدا کردند. شاگرد اوستا قاسم بنا که راز این جنایت را می‌دانست ماجرای قتل را برای او تعریف کرد اما روز بعد خودش نیز کشته شد و حالا اوستا قاسم که پی به این ماجرای هولناک برده بود و از سوی یکی از نوچه‌های «آقابزرگ» تهدید به مرگ شده بود پیش پهلوان حیدر آمده تا چاره‌ای پیدا کند...

«پهلوان آخرین باری که شاگردم را دیدم به من گفت او را تهدید کرده‌اند، می‌گفت: از اون حرامزاده‌های بیرحمی است که لنگه ندارد وقتی این نشانی پیراهن سیاه قداره‌بند را از دوست قدیمم شنیدم شناختمش. همان سیاه پوش ناکسی بود که من را برای حفاری به قبرستان قدیمی کشاند. همانی که باران ساز بیچاره را کشت.»

بنای سالخورده پشت دستش را به چشمان اشک آلودش کشید و گفت: این آخرین باری بود که شاگرد بنایی‌ام جعفر خدابیامرز را می‌دیدم دو روز بعد بود که این جوان بی‌گناه را کشتند و جنازه‌اش را توی یک خرابه انداخته بودند. پهلوان حیدر بعد از شنیدن ماجرای قتل شاگرد بنا آهی عمیق کشید و با نگاه غمزده‌ای رو به بنای پیر کرد و گفت: عجب حرامزاده‌های بی‌رحمی؛ اما اوستا شما چرا نگران اهل و عیال‌تان هستید. بنای پیر با آرنجش روی میز تکیه داد با ستون کردن دو دستش چانه‌اش را به کف دست‌هایش فشرد و دردمندانه آهی کشید و گفت: آن جوان پیراهن قهوه‌ای دیروز به دیدنم آمده بود و به من گفت: پیرمرد مواظب جان خودت و زن و بچه ات باش. بعد منتظر جوابی نماند و بسرعت در میان جمعیت گم شد.

***

با افزایش تعداد سگ‌های هار در مرادآباد شمار سگ گزیده‌های مبتلا به بیماری هاری هم افزایش پیدا می‌کرد و وحشت عمومی از حمله حیوانات هم روز به روز بیشتر می‌شد و تاریکی شب که فرا می‌رسید مردم آبادی از ترس حمله سگ‌ها به خانه‌ها پناه می‌بردند و کوچه‌ها کمینگاه جانوران گرسنه‌ای می‌شد که برای یافتن طعمه‌ای رو به آبادی می‌آوردند، تا به‌طور دسته جمعی هر انسان یا حیوان خانگی چون سگ یا گربه در جدالی هولناک تکه پاره کنند.

پهلوان حیدر در پرس و جو از سهراب دانشجوی رشته پزشکی که درمانگاه کوچک مرادآباد را سرپرستی می‌کرد درباره عوارض مرگبار ویروس هاری اطلاعات مختصری به دست آورد و می‌دانست ویروس هاری با گازگرفتگی یک حیوان مبتلا به هاری از طریق بزاق آلوده و زخم پوستی یا خراش وارد بدن انسان یا حیوان می‌شود و به سیستم عصبی اش نفوذ پیدا می‌کند. در مرحله بعد فرد مبتلا دچار توهم و افسردگی می‌شود که در یک حالت جنون‌آمیز به علت بیرون آمدن کف از دهان مشکل تکلم پیدا می‌کند یا فلج عضلات صورت و فک و بروز مشکلات تنفسی به وضع رقت‌آوری به حال جان کندن می‌افتد. خودش را به زمین یا در و دیوار می‌کوبد تا لحظات مرگش فرا برسد. پهلوان حیدر از جوان دانشجو شنیده بود حیوانات خانگی مثل سگ‌ها و گربه‌ها هم در حمله سگ‌های هار به ویروس هاری مبتلا می‌شوند که همان حالت درندگی را پیدا می‌کنند.

پهلوان حیدر به دیدن دانشجوی جوان در درمانگاه کوچک آبادی می‌رفت و شتاب چندانی نداشت تا گشتی هم در کوچه‌های خلوت آبادی بزند. در گذر از سراشیب کوچه‌ای که به میدان بزرگ معروف به «میدان حاجت» می‌رسید در دوردست نگاهش به دود مواج و غلیظی افتاد ستون سیاهی انگاری از زمین روبه آسمان و به زیر سقف ابرهای خاکستری رسیده‌اند. چند عقاب با بال های گشوده در آسمان سینه به باد سپرده‌اند که همچون نقش سیاه پرنده‌هایی در یک دفتر مشق کودکانه به‌نظر می‌رسید. پای آن ستون سیاه از میان کوچه‌ها و مکعب خانه‌های گلی صدای همهمه و فریاد خشم آدم‌ها در باد می‌آمد و گاه با شلیک گلوله‌ای انگار دانه اسپندی در آتش می‌ترکید و در فضایی تیره از دود آتش نعره‌هایی اوج می‌گرفت.

ادامه دارد

شکنجه‌های مرگبار معتادان در کمپ مخوف

گروه حوادث/ راز شکنجه‌های بی‌رحمانه معتادان در یک کمپ ترک اعتیاد که از سوی دو برادر اداره می‌شد با مرگ یکی از مددجوها و دستگیری متهمان فاش شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۸ شب ۱۵ تیر مأموران کلانتری ۱۴۳ امامزاده داوود در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت از مرگ مشکوک پسری جوان در یک کمپ ترک اعتیاد خبر دادند.

به‌دنبال اعلام این خبر، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت راهی محل حادثه که کمپی مجاز در جاده امامزاده داوود بود، شدند.

■ **کشف جسد**

با حضور تیم جنایی در سالن کمپ آنها با جسد پسر ۳۱ ساله در حالی مواجه شدند که مورد شکنجه قرارگرفته بود. بررسی‌ها نشان می‌داد کمپ در اختیار دو برادر به‌نام‌های بابک و بهرام است. دو برادر در تحقیقات اولیه مدعی شدند که پسر جوانی، روز قبل یعنی ۱۴ تیر در کمپ پذیرش شده است و قبل از پذیرش این جراحات را داشته است.

اما بازپرس جنایی و متخصصان پزشکی قانونی با مشاهده زخم‌های روی بدن پسر جوان، به اظهارات کذب دو برادر پی بردند. چرا که زخم‌ها جدید بود و نشان می‌داد که از ساعاتی پیش به وجود آمده است.

در ادامه بررسی‌های میدانی مشخص شد که پسر جوان به دستور صاحبان کمپ و توسط معتادانی که در آنجا نگهداری می‌شدند مورد شکنجه قرار گرفته است. بدین ترتیب به دستور بازپرس غلامی، دو برادر و ۹ مردی که در این شکنجه مرگبار حضور داشتند بازداشت شدند.

■ **کمپ ۲۰۰ میلیونی**

در ادامه تحقیقات دو برادر که کمپ ترک اعتیاد را اجاره کرده بودند، در حالی که منکر شکنجه بودند تحت بازجویی قرارگرفتند. یکی از آنها گفت: من خودم معتاد بودم اما ترک کردم و بعد هم تصمیم گرفتم کمپ ترک اعتیادی تأسیس کنم. ۱۲ سال قبل کمپ را تأسیس کردم و از حدود سه سال قبل نیز این کمپ را در اختیار گرفتم. ۲۰۰ میلیون تومان برای رهن کامل کمپ پرداخت کرده‌ام.

او ادامه داد: بعد از تأسیس کمپ، برادرم نیز برای کمک به من آمد. روز حادثه من داخل کمپ نبودم و زمانی به اینجا رسیدم که مأموران و اورژانس آمده بودند.

برادر این مرد نیز گفت: روز حادثه بیرون بودم و زمانی که آمدم دیدم که چند نفر از معتادان کمپ دور شایان جمع شده‌اند و او را کتک می‌زنند. اعتراض کردم و بعد آنها شایان را به حمام بردند، من هم دوباره بیرون رفتم. وقتی برگشتم دیدم حال شایان بد شده است و فوراً با اورژانس تماس گرفتم.

در ادامه، ۹ مرد جوانی که در رابطه با شکنجه‌های مرگبار بازداشت شده و عاملان این قتل بودند، مدعی شدند که قصد قتل و شکنجه نداشتند اما این کار را به دستور صاحبان کمپ انجام داده‌اند.

■ **اظهارات یکی از متهمان**

مرد معتادی که در این ماجرا بازداشت شده در مورد علت کتک زدن شایان گفت:اگر شایان را کتک نمی‌زدیم خودمان شکنجه می‌شدیم.

وی که آثار زخم عمیقی شبیه جای گاز گرفتگی سگ روی پایش دیده می‌شد گفت: هر کسی که به کمپ می‌آمد سگ را رها می‌کردند و پاهای او را گاز می‌گرفت. اگر هم مخالفت می‌کردیم به قدری ما را کتک می‌زدند تا بمیریم.

خوب چرا به این کمپ آمدید؟

من خودم آمدم اما خیلی از بچه‌ها را خانواده هایشان به زور آوردند. بعضی از آنها نیز معتادان ترک اجباری بودند. اوایل نمی‌دانستیم که شرایط کمپ این‌طوری است. من ۱۲ سال است که اعتیاد دارم، البته قبلاً ترک کرده‌ام اما دوباره به سراغ مواد رفتم. ۱۰ ماه قبل به این کمپ آمدم ودیگر به من اجازه خروج داده نشد.

آیا پول هم می‌دادید؟

از ۸۰۰ هزار تومان تا ۲ میلیون تومان ماهانه از ما پول می‌گرفتند. اما به جای غذا کدو و بادمجان گندیده به ما می‌دادند.

موضوع شکنجه را به خانواده‌تان نمی‌گفتید؟

نمی‌توانستیم. هر زمان که ملاقاتی داشتیم سه نفر از پرسنل کمپ بالای سر ما می‌ایستادند اگر کوچک‌ترین اشاره‌ای می‌کردیم به قدری ما را شکنجه می‌کردند که به سختی می‌توانستیم نفس بکشیم. البته من خانواده‌ام ساکن چین هستند و کسی را ندارم و هزینه کمپ را از پس اندازم می‌دهم. ولی یکی از بچه‌ها وقتی خانواده‌اش برای ترخیص آمدند به او گفته بودند باید ۱۸ میلیون تومان بدهی وگرنه اجازه نمی‌دهیم که او از کمپ برود.

چگونه درمان می‌شدید؟

درمان نمی‌شدیم. یک پزشک کمپ داشتیم که هفته‌ای یکبار می‌آمد و مهرش را می‌زد و می‌رفت.

چراشکنجه‌تان می‌کردند؟

برای تفریح و خنده خودشان. تقریباً هر روز یک بار ما را شکنجه می‌کردند و به تماشای این شکنجه می‌ایستادند.

نمی‌توانستید فرار کنید؟

نمی‌شد فرار کرد. کمپ یک حیاط داشت که دیوارهایش فنس کشی شده بود و بشدت از آن محافظت می‌شد. یکی از بچه‌ها می‌خواست فرار کند که او را گرفتند و جلوی سگ انداختند.

چراشایان مرد؟

شایان ۱۳ تیر ساعت ۳ صبح پذیرش شد. روز حادثه، ۱۵ تیر، شروع به داد و بیداد کرد که نمی‌خواهد باشد و سر همین مسأله او را سه ساعت به قول مسئولان کمپ تنبیه کردیم. اما شایان زیر این شکنجه‌ها حالش بد شد. حتی بابک هم شایان را کتک زد و زمانی که دید حالش وخیم است به دو نفر دستور داد او را به حمام ببرند. بعد از حمام باز هم حال شایان بد بود و او را به اتاق بابک بردیم که متوجه شدیم فوت کرده است. بابک به ما گفت دو نفرتان با چاقو همدیگر را بزنید که پلیس فکر کند او می‌خواسته فرار کند و در هنگام فرار شما را هم زخمی کرده است.

مگر کمپ تحت نظارت مرجع رسمی نبود؟

زمانی که مسئولان می‌آمدند ما را در یک اتاق حبس می‌کردند و کسی از وضعیت ما خبر نداشت.

در این مدت کسی از کمپ آزاد نشد؟

چند نفری آزاد شدند و چند نفری هم فرار کردند اما چون معتاد بودند و از مسئولان کمپ می‌ترسیدند هیچ کدام شکایت نکردند.

پدر و پسر در خودرو سوختند

گروه حوادث/ مرد جوان که همسرش در یکی از بیمارستان‌های تهران جان باخته بود در اقدامی هولناک خود و فرزندش را داخل خودرو به آتش کشید.

سرهنگ حمیدرضا فیضی، فرمانده انتظامی رودبار در تشریح این خبر گفت: صبح دوشنبه مأموران پلیس از آتش گرفتن یک خودروی پراید در زیر پل رستم آباد - رودبار با خبر شدند.

با اعلام این حادثه به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر یک فقره حادثه منجر به فوت بر اثر آتش‌سوزی خودرو، بلافاصله مأموران انتظامی کلانتری ۱۶ رستم آباد و تیم‌های امدادی برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند و دریافتند اجساد مردی ۳۵ ساله به همراه پسر ۷ ساله‌اش داخل خودرو است. پس از تحقیقات تیم کارشناسی برای پلیس موضوع خودسوزی محرز و در ادامه تحقیقات پلیسی مشخص شد که همسر این مرد ۳۵ ساله یکشنبه شب براثر بیماری در یکی از بیمارستان‌های تهران فوت کرده بود.

بدین ترتیب تلاش برای روشن شدن سایر ابعاد این حادثه در دست بررسی است.

دستگیری ضارب چشم پزشک یاسوجی

گروه حوادث: عامل ضرب و جرح یک پزشک متخصص چشم در شهرستان یاسوج از سوی پلیس دستگیر شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان نظام پزشکی، چند روز قبل خانمی با دفترچه بیمه فرد دیگری به مطب دکتر ملک حسینی برای ویزیت چشم مراجعه کرد که با مخالفت منشی مبنی بر غیرقانونی بودن این کار وی از مطب خارج شد اما دقایقی بعد با چند مرد به داخل مطب برگشت تا منشی را کتک بزنند در این میان دکتر ملک حسینی که با شنیدن صدای فریادهای منشی و دیگر بیماران در مطب متوجه درگیری شده بود به حمایت از منشی خود از اتاقش خارج شد اما وی نیز از سوی مهاجمان مورد ضرب و جرح قرار گرفت و از ناحیه سر و صورت مجروح شد.

پس از شکایت این چشم پزشک بلافاصله پرونده قضایی تشکیل و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری متهم آغاز شد.

سردار «مهدی انصاری»، فرمانده انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، در این باره گفت: ضارب که پس از درگیری از محل متواری شده بود با تلاش مأموران پلیس اطلاعات و امنیت فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد در کمتر از ۴۸ ساعت دستگیر شد و به جرم خود اعتراف کرد. وی ضمن هشدار جدی به متخلفان گفت: پلیس با چنین افرادی و آنهایی که بخواهند امنیت جامعه را با مخاطره روبه رو کنند، قاطعانه برخورد می‌کند.

درخواست دیه نوعروس از بیت‌المال

گروه حوادث/ رسیدگی به پرونده مرگ عجیب زوج جوان تهرانی که اجساد آنها داخل خودرویشان مقابل پارک پرندگان پیدا شده بود با شکایت خانواده عروس مبنی بر دریافت دیه و مهریه دخترشان از خانواده داماد به شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران رسید.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود دو سال قبل اجساد یک زوج جوان در حالی که هر دو با گلوله کلت کمری به قتل رسیده بودند داخل خودروی زانتیای سفید رنگی کنار یکی از بوستان‌های تهران پیدا شد. پلیس در بررسی‌های اولیه صاحب خودرو را که فردی به‌نام نیما بود مورد شناسایی قرار داد. نیما در تماس مأموران عنوان کرد که خودرو متعلق به اوست و آن را چند ساعتی به برادرش نریمان قرض داده تا با همسرش به جایی بروند.

پس از آن نیما در محل کشف خودرو حضور یافت و با دیدن اجساد خونین برادر و زن برادرش آنها را شناسایی کرد. مأموران هم با دستور قضایی در خودرو را باز کردند و مشخص شد که هر دو سرنشین خودرو ساعاتی است که فوت کرده‌اند.

■ **اظهارات برادر قاتل**

نیما که شوکه شده بود به مأموران گفت: برادرم تا چند وقت پیش وضع مالی خوبی داشت ولی به خاطر یک شکست مالی همه دارایی‌اش را از دست داد و ورشکسته شد. به همین دلیل هم با همسرش اختلاف پیدا کرده بود البته نریمان در این چند ماه اخیر همیشه می‌گفت دلیل اصلی اختلافش با میترا دخالت‌های مادرزنش است. او چند ساعت پیش از این حادثه با من تماس گرفت و خواست تا خودروام را در اختیارش بگذارم که با میترا به پارک بروند اما نمی‌دانستم که قرار است چند ساعت بعد خبر فوت آنها را بشنوم. در ادامه تحقیقات مأموران با بررسی صحنه قتل دریافتند که کلت کوچکی در دستان نریمان است که همین موضوع توجه تیم جنایی را به خودش جلب کرد و در بررسی‌های بعدی احتمال قتل میترا به دست نریمان و سپس خودکشی مرد جوان قوت گرفت.

■ **پیداشدن دست‌نوشته‌ای در محل قتل**

بررسی‌ها ادامه پیدا کرد تا اینکه کارشناسان تأیید کردند که گلوله‌های شلیک شده متعلق به کلتی است که در دست نریمان بوده است.

جست‌وجوهای مأموران ادامه داشت تا اینکه با دست نوشته‌ای در داخل خودرو مواجه شدند که گواهی می‌داد مرد جوان در پی انتقام‌گیری از مادرزنش ابتدا همسرش را به قتل رسانده و سپس خودش را کشته است. او در این یادداشت نوشته بود که به علت اختلاف خانوادگی به زندگی خودم و میترا پایان دادم. نتیجه کالبدشکافی، نحوه قرار گرفتن اجساد میترا و نریمان در داخل خودرو، فاصله شلیک شدن و گوگرد موجود روی دستان مرد جوان این موضوع را اثبات کرد که به طور قطع نریمان در ابتدا همسرش را به قتل رسانده و لحظاتی بعد هم به زندگی خودش پایان داده است.

■ **بازجویی از مادر مقتول**

مادر میترا در تحقیقات به مأموران گفت: میترا دانشجو بود که با نریمان آشنا شد. وقتی به خواستگاری دخترم آمدند مدعی بودند که او ثروت و دارایی زیادی دارد و میترا را خوشبخت خواهند کرد حتی پدرش به ما گفت که چند شرکت مسافربری دارد و به‌لحاظ مالی آنها تأمین هستند ما هم چون رضایت دخترمان را دیدیم موافقت کردیم و آنها با هم عقد کردند. اما مدتی از عقدشان نگذشته بود که دامادم همه دارایی‌اش را از دست داد و دخترم در شرایط بدی قرار گرفت. همین موضوع باعث اختلاف آنها شد. دخترم بر این باور بود که نریمان در مورد ورشکستگی‌اش دروغ می‌گوید و همین مسأله باعث تشدید درگیری میان آنها شده بود. بعد از مدتی میترا درخواست طلاق داد و تصمیم گرفت تا از نریمان جدا شود که در این میان دامادم فکر می‌کرد من باعث این تصمیم هستم و هربار من را تهدید می‌کرد کاری خواهد کرد که من را پشیمان کند. در صورتی که من هیچ دخالتی در زندگی آنها نکردم و خواست من خواست دخترم بود. روز حادثه میترا به من گفت که نریمان از او خواسته که با هم بیرون بروند و دخترم فکر می‌کرد که می‌تواند با صحبت کردن رضایت او را برای طلاق جلب کند اما دخترم را بی‌رحمانه به قتل رساند.

■ **تقاضای اولیای دم**

صبح دیروز این پرونده در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت و پدر و مادر زن جوان با ارائه دادخواستی از دادگاه خواهان دریافت دیه دخترشان از صندوق بیت‌المال شده و گفتند: هر چند که ما فکر می‌کنیم دارایی‌های دامادمان به‌نام پدرش شده است اما با این حال اگر خانواده دامادمان اصرار دارند که او مال و اموالی ندارد ما از دادگاه می‌خواهیم تا دیه دخترمان را از صندوق بیت‌المال پرداخت کنند. پس از اظهارات اولیای دم قضات شعبه ۱۲ تصمیم گرفتند تا اموال احتمالی نریمان بار دیگر مورد بررسی قرار گیرد تا درصورتی که اموالی از او شناسایی شد برای پرداخت دیه و مهریه زن جوان به اولیای دم توقیف شود.

آگهی مناقصه عمومی
نوبت اول
دومرحله‌ای
شماره ۹۹/۰۰۵
شرکت پالایش نفت شهید رجایی (سهامی خاص)
موضوع آگهی:
احداث نیروگاه خورشیدی
با ظرفیت ۴۰۰ کیلووات در شهرک مروارید
آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه: پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۸
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAORCO.IR و یا خبرگزاری شانا www.shana.ir و WWW.TENDER@NIORDC.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۹/۱۰
نوبت دوم
جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای
اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان تهران در نظر دارد پروژه بمشرح جدول ذیل را از طریق سامانه تدارکات دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و گشایش پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات دولت(ستاد) به آدرس setadiran.ir انجام خواهد شد.

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ(ریال)	تاریخ بازگشایی	کد سامانه
۱	اجرای عملیات مرمت و بازسازی و کاهش تناسبی بار مرده پل جاجرود واقع در محور جاجرود	۳۷/۸۵۷/۶۳۸/۳۰۸	۹۹/۰۴/۲۹	۲۰۹۹۰۰۴۵۷۲۰۰۰۰۳۷

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۴/۱۶
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد: ساعت ۸:۳۰ روز بازگشایی می‌باشد.
مناقصه فوق به صورت عمومی یک مرحله‌ای می‌باشد.
اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان تهران

« ابلاغ آگهی »
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
بدین وسیله به خانم سیده مریم نژادحسینی که بدلیل غیبت با توجه به قانون رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه به موجب رأی قابل پژوهش شماره ۴۲۰۱ صادره از سوی هیأت محترم بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت به مجازات اخراج از دستگاه متبوع محکوم شده اید و بر اساس ماده ۷۳ آیین دادرسی مدنی ابلاغ می گردد، در صورت داشتن اعتراض، می توانید اعتراضیه خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی به واحد خدمتی و یا به این مدیریت تسلیم نمایید.
بدیهی است پس از اتمام مهلت مذکور رأی فوق الذکر به طور قطعی قابل اجرا خواهد بود.
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران